

بررسی عوامل مؤثر بر میزان گرایش اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی به انجام فعالیت‌های علمی - پژوهشی

دکتر مجید کفاشی*

چکیده: هدف این پژوهش شناخت عوامل تأثیرگذار و دستیابی به یک الگوی نظری تحلیلی می‌باشد که با استعانت از نظریه‌های «مادله»، «کنش پارسونز»، «مازلو»، عوامل مهم و اثرگذار و تبیین‌کننده‌ی پژوهشگران در زمینه‌ی انجام فعالیت پژوهشی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش این پژوهش، پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه است. نمونه‌ی مورد مطالعه ۳۲۰ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای منطقه ۱۲ هستند که با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده متناسب با حجم و در نهایت با استفاده از روش تصادفی ساده انتخاب شده‌اند.

برای انجام مباحث آمار توصیفی و استنباطی از نرم افزار SPSS استفاده شده است. نتایج این پژوهش بر وجود یک الگوی رابطه‌ی آماری بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته حکایت دارد. به عبارت دیگر رابطه معنی‌داری بین وجود ارزش و منزلت پژوهشگر، عملکرد مدیریت پژوهشی، نوع فعالیت تحقیقاتی اعضای هیأت علمی، امکانات تحقیقاتی دانشگاه، اعمال سلابی و ارزش‌های فردی مدیران، پایگاه اجتماعی اعضای هیأت علمی و میزان گرایش آنها به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود دارد. همچنین مشخص شد میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک گروه‌های علمی و امکان فعالیت اعضای هیأت علمی با یکدیگر متفاوت است. به بیان دیگر می‌توان ادعان داشت بالاترین میزان گرایش از آن پژوهشگرانی است که در رشته‌های مهندسی تحصیل می‌کنند و پژوهشگرانی که در رشته‌های علوم پایه و مهندسی تحصیل می‌کنند، در مراتب بعدی قرار دارند. همچنین میانگین سطح گرایش پژوهشگرانی که در دانشگاه پژوهش می‌کنند در مقام قیاس با کسانی که بیرون از دانشگاه پژوهش می‌کنند به اندازه ۹ واحد اختلاف نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: عضو هیأت علمی، فعالیت‌های پژوهشی، میزان گرایش.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن و عضو باشگاه پژوهشگران جوان majidkaffashi@yahoo.com

(این پژوهش تحت عنوان طرح پژوهشی و با اعتبارات مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن انجام شده است.)

مقدمه

بررسی پیشرفت‌های علمی کشورها حاکی از آن است که علوم فقط از طریق آموزش به دست نمی‌آیند، بلکه تحقیق در تولید و اشاعه‌ی علوم نقش مؤثری دارد و کشورهایی که تحقیقات اصیل و مستقیمی ندارند از توسعه و رشد درون‌زا برخوردار نیستند. بنابراین نقش تحقیقات علمی به منزله‌ی ساز و کار مؤثر و تعیین‌کننده در توسعه‌ی ملی را نمی‌توان کم‌اهمیت تلقی کرد. تأثیرگذاری تحقیقات علمی در ابعاد مختلف آن (تحقیقات بنیادی، کاربردی، توسعه‌ای) بر سایر متغیرهای اقتصادی- اجتماعی از جمله فقر، بیکاری، درآمد سرانه ملی و ... باعث بهبود وضعیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود. گسترش این توسعه به بهبود شاخص‌های اجتماعی نظیر آموزش، بهداشت، مسکن، تأمین و امنیت اجتماعی و ... منجر می‌شود. بنابراین توسعه‌ی موزون به دلیل گسترش تحقیقات در جوامع رخ می‌دهد و می‌تواند تمامی جنبه‌های حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. به علاوه بهبود شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی به معنای تأمین نیازهای اساسی جامعه، احساس اعتماد به نفس، رفاه اجتماعی و اقتصادی را برای افراد جامعه فراهم نماید.

کرلینجر یک اصل بنیادی را چنین بیان می‌کند: اگر کسی بخواهد مسأله‌ای را حل کند معمولاً باید بداند مسأله چیست. می‌توان گفت که بخش عمده‌ای از حل مسأله بستگی به این دارد که شخص بداند مسأله چیست و به ویژه یک مسأله علمی کدام است. البته بیان مسأله علمی مشروط به ملاک‌هایی است که در این بحث آنها را بیان می‌نماییم (کرلینجر، ۱۳۷۴: ۴۲).

یکی از مسأله‌های مهمی که با ظهور علم و گسترش آن در جهان، ذهن پژوهشگران به خصوص پژوهشگران کشورهای پیرامونی را به خود مشغول نموده مسأله‌ی توسعه‌ی علم است. تولید علمی و پژوهش یکی از شاخص‌های آفرینش فرهنگی است که در بستر اجتماعی و فرهنگی خلاق ممکن می‌شود. نبودن تولید علمی و ناکارآمدی پژوهش در جوامع پیرامونی نتیجه رکود فرهنگی و اجتماعی این جوامع است. بنابراین برای رفع این مشکل می‌بایست بارآوری فرهنگی و اجتماعی صورت گیرد. جامعه و فرهنگ پویا ضمن تأثیرپذیری از بیرون، از درون می‌جوشد و با بازسازی و توانا کردن خود، منظومه‌ی خلاق و سازمان‌های توانایی را برای تولید علمی فراهم می‌سازد از این‌رو جامعه با تولید علمی و از طریق پژوهش، مبادله‌ی علم را جایگزین انتقال علم می‌نماید. پژوهشگر می‌خواهد با توجه به توضیحات فوق سؤالات توصیفی و تبیینی زیر را مورد مطالعه قرار دهد: سؤالات توصیفی: الف) اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی چه فعالیت پژوهشی انجام

می‌دهند؟ میزان گرایش اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی به فعالیت‌های پژوهشی در چه سطحی است؟

سؤال تبیینی: چه عواملی در میزان گرایش اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی به فعالیت‌های پژوهشی مؤثر است؟

باتوجه به نقش مهم اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی در برنامه‌های توسعه‌ی پایدار، وقوف به عوامل مؤثر در تقویت آنان به فعالیت‌های پژوهشی، اهداف تحقیقی زیر را می‌توان برای پژوهش حاضر مطرح ساخت: شناخت وضع موجود فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، شناخت میزان گرایش آنها به فعالیت‌های پژوهشی، شناخت عوامل اثرگذار بر میزان گرایش آنها به فعالیت‌های پژوهشی، دستیابی به یک الگوی نظری درخصوص تبیین فعالیت‌های پژوهشی در جهت ارایه‌ی راهکارهای راهبردی و کاربردی.

در این پژوهش دیدگاه‌های متعددی مورد استفاده قرار گرفت که به نام چارچوب نظری تحقیق به آن اشاره می‌شود:

الف) دیدگاه پارسنز: از صاحب‌نام‌های پرآوازه، چارچوب نظری ساختی-کارکردی، تالکوت پارسنز است که با ابداع و طراحی برخی مفاهیم کلیدی و قضایای مهم، چارچوب نظری فوق را برای تحلیل و تبیین واقعیت‌های اجتماعی توانا و کارآمدتر کرد. پارسنز با الهام از مبانی نظری بنیادگذاران جامعه‌شناسی و با بهره‌مندی از مبانی نظری جامع، کلی و کارآمد برای توصیف و تبیین رفتار یا کنش انسانی، تلاش عمیق و گسترده نظری خود را تا پایان عمر استمرار داد که برآیند آن نظریه معروف «ساخت نظام کنش» و یا نظریه «نظام اجتماعی» است. متغیرهای الگویی، عقلانیت نظام سبیرنتیک، تمایلات انگیزشی، جامعه‌پذیری، کنش ارادی، خرده نظام‌های کنش، نظام و ... از جمله مفاهیم عمده‌ای است که پارسنز با اضافه کردن آنها به دستگاه چارچوب مفهومی ساختی-کارکردی، این چارچوب مرجع را غنای بیشتر بخشید. ما برخی از مفاهیم و قضایای نظری این جامعه‌شناس صاحب عنوان که همگنی بیشتری هم با نظریه ساختی-کارکردی دارند و برای توصیف، تحلیل و تبیین مسأله‌ی تحقیق حاضر مفید هستند را بررسی و معرفی می‌نماییم.

بنابر «نظریه ارادی رفتار»، پارسنز جبری بودن کنش اجتماعی را رد می‌کند و با توجه به ماهیت ارادی کنش به نظریات مثبت‌گرایان و ایده‌آلیست‌های افراطی رفتار و کنش تعادل می‌بخشد. از نظر پارسنز، «خودکنش اجتماعی» مورد توجه است یعنی «نقش اجتماعی افراد، نه خود واقعی آنان بررسی می‌شود». او فرد را در مرکز نظریه‌ی خود و به‌عنوان کنشگر اجتماعی و عضوی از یک کل

با نام نظام اجتماعی که عبارت از «فعالیت‌های اجتماعی و روابط متقابل افراد است»، مورد توجه قرار می‌دهد. کنشگر هر چند در قالب چارچوب نظام عمل می‌کند ولی از نظر پارسنز، او جنبه‌ی ارادی و عقلانی دارد و دارای خلاقیت، اختیار و نیروی ارزشیابی است. از نظر پارسنز، کنش اجتماعی فقط در چهارچوب نظام ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از ویژگی ارادی برخوردار است. او می‌نویسد: «کنش اجتماعی در قالب هنجارها و ارزش‌های اجتماعی سازمان گرفته و هنجارهای اجتماعی کنش فرد را در جهت هم‌نوايي نهایی با نظام ارزش‌های اجتماعی سوق می‌دهد ... و هنجارهای اجتماعی است که چگونگی کنش فرد را شکل داده و رهبری می‌کند. منظور پارسنز از آزادی و ارادی بودن کنش اجتماعی، به معنی آزادی و اراده‌ی مطلق در رفتار فردی نیست (ادیبی، ۱۳۵۸: ۷۴). ویژگی دیگر کنش اجتماعی از نظر پارسنز ویژگی عقلانیت کنش اجتماعی است. اما پارسنز معتقد نیست که فرد همیشه از نتایج رفتار و کنش خود آگاه است، بلکه منظور از عقلانی بودن این است که کنش اجتماعی خودبه‌خودی انجام نمی‌گیرد و کنشگران همیشه هدف و غایتی را در رفتار و کنش خود در نظر دارند. به عبارت دیگر، «اگر چه افراد کنشگران از نتایج رفتار خود آگاه نیستند، ولی پیوسته هدف و غایتی را در رفتار خود در نظر دارند که پارسنز آن را عقلانی بودن کنش اجتماعی می‌نامد» (توسلی، ۱۳۷۳: ۱۸۹).

به نظر پارسنز، قالب کنش از سه جزء: فرد، موقعیت و تمایل فرد نسبت به موقعیت تشکیل شده است. تمایل کنشگر به موقعیت اساس نظریه‌ی پارسنز است و تمایل دونوع است: ۱- تمایل انگیزه‌ای^۱ ۲- تمایل به ارزش‌ها^۲ و هر تمایل نیز سه قسم دارد: ۱- ادراکی، ۲- عاطفی، ۳- تقویمی و در مجموع فرد باید تمایل انگیزه‌ای خود را با نظام موجود ارزش‌ها منطبق نموده و براساس آنها اقدام کند. به این ترتیب، آشکار است که در نظریه‌ی کنش ارادی و عقلانی پارسنز، مفاهیم متعددی مثل: کنش، کنشگر، موقعیت یا محیط کنش، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، تمایلات فردی و ارزشی و یا انطباق انگیزه‌های فردی با ارزش‌های اجتماعی، هدف و غایت کنشگر و از همه مهمتر فرآیند اجتماعی شدن، مؤثر بوده و دخالت دارند (ادیبی، ۱۳۵۸: ۷۵).

بنابراین از نظر پارسنز چونان سایر کارکردگرایان ساختاری، رفتارها و کنش‌های اجتماعی (مانند کنش‌های علمی و پژوهشی) حاصل پایگاه و نقش اجتماعی افراد (مانند پژوهشگران) در نظام اجتماعی (مانند سازمان علمی و پژوهشی) است. نکته‌ی مهم و کلیدی این است که نظریه‌ی پارسنز با نظریات کنش متقابل و حتی نظریه ماکس وبر تداخل و ارتباط دارد. با توجه به نوع و

نگرش خاص پارسنز به کنش اجتماعی در کتاب "ساخت کنش اجتماعی" چکیده نظرات او در خصوص کنش اجتماعی چنین است:

۱- کنش اجتماعی ارادی، عقلانی و داوطلبانه است. ۲- کنشگر، کنش اجتماعی را در قالب اجتماعی انجام می‌دهد. ۳- کنشگر براساس پایگاه و نقش اجتماعی و بر مبنای هنجارها کنش اجتماعی خود را تعیین و انجام می‌دهد. ۴- کنشگر برای انتخاب از شرایط و امکانات مختلفی برخوردار است. ۵- شرایط مختلف مانند شرایط بیولوژیکی و محیطی، کنش اجتماعی فرد را متأثر می‌سازد. ۶- کنش کنشگر به هدف خاصی متمایل می‌شود که به وسیله‌ی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تعیین می‌گردد. یعنی جهت تمایل و تصمیم‌گیری کنشگر را ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تعیین می‌کنند. ۷- نظریه نظام کنش عمومی به‌عنوان یک قالب تحلیلی برای توصیف و تبیین رفتار و کنش انسان باید مورد استفاده قرارگیرد. ۸- اجتماعی‌شدن فرآیند انجام کنش اجتماعی را تسهیل می‌کند. «اجتماعی‌شدن» در نظریه‌ی پارسنز اهمیت اساسی دارد. زیرا از نظر پارسنز، تلفیق الگوها و نظام ارزشی با انگیزه‌های فردی و تمایلات کنشگران یک قضیه‌ی بنیادی و پویای جامعه‌شناسی است و در این تلفیق و انطباق، فرآیند ملکه ذهن ساختن و اجتماعی‌کردن اهمیت اساسی دارند. پارسنز به شیوه‌های انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی یک نظام اجتماعی (مانند سازمان دانش و پژوهش به نام دانشگاه) به کنشگران درون آن نظام (مانند پژوهشگران) علاقه‌مند است. در فرآیند اجتماعی‌شدن کارآمد و موفق، ارزش‌ها و هنجارها ملکه‌ی ذهن افراد و کنشگران می‌شود و به‌صورت بخشی از وجود کنشگران، یا «وجدان» آنها در می‌آیند. در نتیجه این فرآیند، کنشگران با دنبال کردن منافعی در واقع به مصالح کل نظام خدمت می‌کنند.

به زعم پارسنز «ترکیب الگوهای جهت‌گیری» ارزشی که به وسیله‌ی کنشگر در زمان اجتماعی شدن به دست می‌آید باید تا اندازه زیادی نتیجه کارکرد ساختار نقش بنیادی و ارزش‌های مسلط نظام اجتماعی باشد». پارسنز، جامعه‌پذیری را فرآیندی می‌داند که جامعه بیشتر تمایلات نیازی و انگیزه‌های فردی را قالب‌ریزی می‌کند، کنشگران را به نظام اجتماعی پیوند می‌دهد و نظام اجتماعی نیز وسایل برآورده شدن این تمایلات نیازی را فراهم می‌سازد. از نظر او، فرآیند جامعه‌پذیری یک فرآیند همیشگی است و از طریق یک تقویت ظریف و ملایم، همچنان در سراسر عمر افراد و کنشگران باقی می‌ماند. در این مورد، مکانیزم‌های نظارت نیز فرایند اجتماعی‌شدن را ترغیب و حمایت می‌کنند. در نتیجه، جامعه‌پذیری و نظارت اجتماعی مکانیزم‌های اصلی‌اند که نظام از طریق آنها توازن و تعادل خود را نگه می‌دارد (ریتزر، ۱۳۸۰: ۱۳۶).

در نظریه‌ی پارسنز سه نظام کنشی وجود دارد که با عطف به مفاهیم (خرده نظام‌های) شخصیت، جامعه و فرهنگ از یکدیگر متمایز می‌شوند. ارتباط نهایی میان خرده نظام‌های سه‌گانه کنش در سطح نظام اجتماعی برقرار می‌شود. نظام اجتماعی به نظام فرهنگی ارتباط پیدا می‌کند زیرا که ساختار نظام اجتماعی مبتنی بر «الگوهای نهادی شده» و فرهنگ هنجاری است و چارچوب مرجع کنش است. و از سوی دیگر نظام اجتماعی با نظام کنش شخصیت ارتباط پیدا می‌کند زیرا واکنش‌های کنشگران چیزی جز الگوی مشترک فرهنگ هنجاری نیست. بنابراین، سه نظام مذکور در ارتباط با یکدیگر مفهوم پیدا می‌کنند. از طرف دیگر، کنش متقابل اجتماعی از سه عنصر یا سه عامل یعنی ۱- انتظارات، ۲- ارزش‌ها و هنجارها و ۳- ضمانت اجرایی^۱ (شامل پاداش‌ها و مجازات)، تشکیل می‌شود و دربردارنده عامل‌های نقش^۲ است. زیرا تنها از طریق نقش‌ها و توسط نقش‌ها است که کنشگران با یکدیگر در کنش متقابل قرار می‌گیرند. به این ترتیب نظام اجتماعی مفهوم نظری است که زاده‌ی کنش متقابل میان اعضای یک گروه یا سازمان است. هر خرده نظام نیز محیط خرده نظام دیگر است و این خرده نظام‌ها با همدیگر کنش متقابل دارند و در مبادله هستند. نکته مهم در نظریه پارسنز این است که بالاخره نظام اجتماعی به مدد نظام فرهنگی، ارزش‌ها و هنجارهایی را که در ایجاد همبستگی و وفاداری به نظام و نظارت بر آن دخیل هستند، جذب می‌کند.

پارسنز به پیروی از کارکردگرایان ساختاری معتقد است. هر نظام اجتماعی برای دوام و استمرار حیات خود به حداقل شرایط و پیش نیازهای کارکردی نیازمند است که عبارتند از:

- ۱- تطبیق: تعیین هر نظامی باید خودش را با محیط و موقعیتی که در آن قرار گرفته تطبیق دهد.
- ۲- دستیابی به هدف یا انطباق‌پذیری: یعنی هر نظام باید اهداف اصلی خود را تعیین کند و به آنها دست یابد.
- ۳- یکپارچگی: هر نظامی باید روابط متقابل اجزای سازنده‌اش را تنظیم کند و به رابطه‌ی میان چهار پیش نیاز کارکردیش نیز سامان بخشد و یگانه‌سازی کند.
- ۴- بقای الگویی: یعنی نظامی انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگهدارنده این انگیزش‌ها را ایجاد، نگهداری و تجدید کند.

پارسنز این چهار تکلیف کارکردی را با چهار نظام کنش پیوند می‌زند که عبارتند از: ۱- نظام یا ارگانیزم زیست شناختی که کارکرد تطبیقی‌اش از طریق سازگاری و تغییر شکل جهان خارجی انجام می‌گیرد. ۲- نظام شخصیتی که کارکرد دستیابی به اهدافش از طریق تعیین اهداف نظام و

1- Sanction

2- Actors-In-Roles

بسیج منابع برای دستیابی به آنها انجام می‌گیرد. ۳- نظام اجتماعی که با تحت نظارت در آوردن اجزای سازنده اش، کارکرد یکپارچگی و یگانه‌سازی انجام می‌گیرد. ۴- نظام فرهنگی، کارکردی بقای الگویی را با تجهیز کنشگران به هنجارها و ارزش‌هایی که آنها را به کنش بومی انگیزاند، انجام می‌دهد.

ب) نظریه مبادله: نظریه مبادله، یک نظریه جامعه‌شناختی عملیاتی است و برای پژوهشگر فرصتی فراهم می‌سازد تا از آن درباره موضوعات جامعه‌شناختی، فرضیه‌هایی را استخراج و در قالب آن به مشاهده پردازد. این نظریه بسیار گسترده است و از یک دیدگاه محدود و مکانیکی درخصوص بده و بستان^۱ چیزهای محدود فراتر می‌رود. نظریه مبادله، به مبادله‌ی اشیای ملموس، احساس‌های با ارزش، تکریم، همکاری، تأیید، فرصت‌ها، امتیازات، رنج، هزینه شرمساری و بسیاری از ابعاد روابط انسانی، توجه دارد و آنها را در برقراری ارتباط میان انسان‌ها و برقراری نظم اجتماعی در گروه‌ها و جوامع بررسی می‌کند.

نظریه مبادله با رویکرد فردگرایانه وام‌دار و مدیون روان‌شناسی تجربی، فلسفه لذت‌جویی و برخی اصول اقتصاد است. از این‌رو، مبنای حرکت این نظریه فرد است، همچنین واحد تحلیل و موضوع اصلی آن در تبیین مسأله‌های اجتماعی و موضوعات جامعه‌شناختی به خصوص در تبیین نظم، فرا اجتماعی است. بنا به دیدگاه نظریه‌پردازان مبادله، ساختار گروه به معنای تأثیر متقابل و پویای نیروهایی است که دارای منشأ فردی هستند چون افراد در تعامل، به همدیگر پاداش می‌دهند، از این‌رو اگر افراد خواهان پاداش هستند باید تعامل کنند و به‌طور منظم با افرادی که پاداش‌ها را فراهم می‌آورند همکاری نمایند. از طرف دیگر افراد تلاش می‌کنند نرخ‌های مبادله چیزهایی را که معامله می‌کنند تثبیت و راه‌های دسترسی به آنها را مشخص و تسهیل نمایند (اسکیدمور، ۱۳۷۴: ۸۷).

جیمز فریزر براساس یافته‌های پژوهشی خود که مبتنی بر دیدگاه مبادله است و با آن به تحلیل سازمان‌های اجتماعی می‌پردازد، اصول زیر را به نظریه امروزین مبادله می‌افزاید.

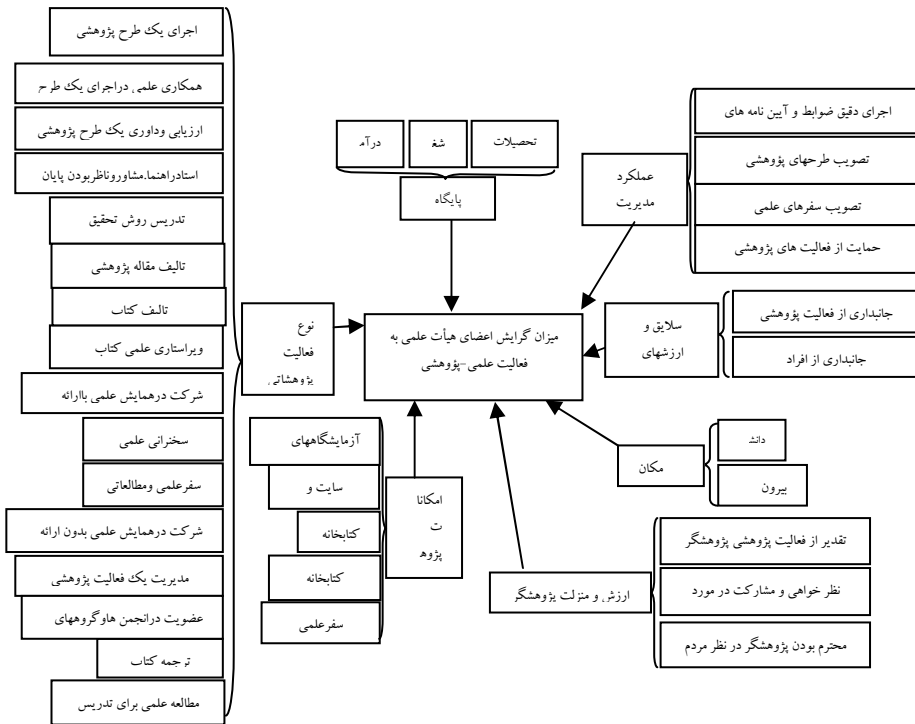
۱. فرآیندهای مبادله و ورود افراد به این فرآیند، نتیجه انگیزه‌های افراد برای شناخت نیازهایش می‌باشد.
۲. فرآیندهای مبادله، نهادی‌شدن الگوهای کنش متقابل و فرهنگ را موجب می‌شود.
۳. شبکه‌های نهادی شده کنش متقابل نه فقط به نیازهای انسانی خدمت می‌کند، بلکه در برگیرنده

انواع ساخت و نظام اجتماعی هستند. ۴- در فرآیندهای مبادله، گروه‌ها و افراد برحسب میزان دسترسی به کالاهای با ارزش از نظر قدرت، امتیازات و وجاهت اجتماعی از هم متمایز می‌شوند. با اینکه نظریه‌ی مبادله و یا جامعه‌شناسی رفتاری، رویکرد فردگرایانه دارد، ولی برخلاف سایر نظریه‌های جامعه‌شناسی خرد، تعریف‌گرایان و کنش متقابل نمادی برای فرد آزادی بسیار کمتری قابل است. پرین بانایاگام معتقد است، تعریف‌گرایان اجتماعی و اصحاب نظریه‌ی کنش متقابل نمادی، کنشگران را نیروهای پویا و خلاق در فرآیند کنش متقابل به شمار می‌آورند، زیرا کنشگران مورد نظر آنها تنها در برابر محرک‌ها واکنش نشان نمی‌دهند، بلکه آن محرک‌ها را برای خود تفسیر می‌کنند و سپس بنا به تعریفی که از آنها می‌کنند، عمل می‌نمایند، از این رو، کنشگر پیوسته به صورت آگاهانه واقعیت‌های اجتماعی را می‌سازد، اما رفتارگرایان اجتماعی و پیروان نظریه مبادله، فعالیت و عمل کنشگران را آگاهانه فرض نمی‌کنند و معتقدند که کنش‌های فرد واکنشی ناآگاهانه در برابر محرک‌ها است. محرک‌های بیرونی واکنش یک فرد را تعیین می‌کند، بنابراین از نظر نظریه مبادله، تصویرکنشگر بسیار مکانیکی است و از این حیث افراد و کنشگران جامعه شبیه افراد و کنشگران نظریه‌های واقعیت اجتماعی و نظریه ساختی-کارکردی است (ریترز، ۱۳۸۰: ۴۰۷).

فرضیه‌های مورد آزمایش در این پژوهش عبارتند از:

- میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی به تفکیک گروه‌های علمی دانشگاه تفاوت دارد.
- میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک جنسیت با یکدیگر متفاوت است.
- بین وجود ارزش و منزلت پژوهشگر و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود دارد.
- بین عملکرد مدیریت پژوهشی و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود دارد.
- بین نوع فعالیت تحقیقاتی اعضای هیأت علمی و میزان گرایش آنها به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود دارد.
- بین مکان فعالیت اعضای هیأت علمی و میزان گرایش آنها به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود دارد.

- بین امکانات تحقیقاتی دانشگاه و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود دارد.
 - بین اعمال سلاقی و ارزش‌های فردی مدیران و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود دارد.
 - بین پایگاه اجتماعی اعضای هیأت علمی و میزان گرایش آنها به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود دارد.
- با توجه به موارد فوق مدل نظری پژوهشگر ساخته این پژوهش در شکل زیر آمده است:



روش

روش‌های پژوهشی که به تناسب از آنها در پژوهش حاضر استفاده می‌شود عبارتند از: **الف) روش اسنادی و کتابخانه‌ای:** برای دستیابی به چارچوب نظری، شفاف‌شدن واقعیت اجتماعی و آگاهی از پیشینه و ادبیات پژوهش از روش فوق استفاده شده است.

ب) روش پیمایشی: در نهایت برای جمع‌آوری داده‌ها، طبقه‌بندی، توصیف، تحلیل آنها از روش پیمایشی استفاده کردیم. استفاده از روش پژوهش پیمایشی به دلایلی ضروری است. امکان بررسی فرض‌های پژوهش که از درون نظریه‌های بیرون آمده، ضرورت بررسی و مطالعه و بالاخره مراجعه به اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۱۲ و تعمیم یافته‌ها از جمله دلایل انتخاب روش مزبور به‌عنوان روش نهایی و عمده‌ی پژوهش حاضر است. البته روش پژوهش پیمایشی که برای بررسی، مطالعه و پژوهش از تکنیک‌های مختلفی مثل مصاحبه، مشاهده، پرسش‌نامه، پرسش‌نامه همراه با مصاحبه و غیره استفاده می‌کند دارای نقاط ضعف و قوت است. مهم‌ترین مزیت آن این است که در شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران امکان استفاده از آن بیشتر است و به دلیل کثرت استفاده از آن نکات ضعف و قوت آن آشکار شده است و پژوهشگر از این تجارب استفاده می‌کند. این روش اجازه می‌دهد از تکنیک‌ها و شیوه‌های آماری و روش‌های کمی استفاده بیشتری شود تا یافته‌های پژوهشی از اعتبار و روایی لازم برخوردار گردد. همچنین امکان و قدرت تعمیم یافته‌های پژوهشی حاصل از روش مزبور بیشتر می‌باشد. اما روش مزبور معایبی نیز دارد که پژوهشگر می‌بایست از آن غافل نماند. از بزرگترین ضعف‌های روش پیمایشی این است که نمی‌توان با این روش به عمق واقعیت رسید و همچنین پاسخگویان در برابر مهم‌ترین تکنیک مزبور یعنی پرسش‌نامه تمرین و آموادگی دارند و در برخی موارد پاسخ‌های کلیشه‌ای و به‌طور عموم غیرواقعی به آن می‌دهند و اگر پرسشگر احتیاط لازم را نکند در دام اطلاعات گمراه کننده این روش گرفتار می‌شود و در باتلاق یافته‌های غیرواقعی فرو می‌رود و امر بر او مشتبه می‌گردد و در خیال گرفتار می‌آید که واقعیت را کشف کرده است.

جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی آماری، حوزه تعمیم نتایج و یافته‌های پژوهش است از این روی جامعه‌ی آماری در بر دارنده‌ی کلیه افراد مورد بررسی است که پژوهشگر از میان آنان واحدهای نمونه خود را گزینش می‌کند. لذا جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشند. نمونه‌ی مورد مطالعه، اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۱۲ (واحدهای بوئین زهرا، پرند، تاکستان، دماوند، رودهن، شهریار، فیروزکوه، قزوین، قم، کرج، ورامین) دانشگاه آزاد اسلامی هستند. در پژوهش حاضر بر اساس فرمول معروف برآورد نمونه کوکران، تعداد و حجم نمونه افراد مورد مطالعه را محاسبه نموده‌ایم. (تعداد نمونه) $n=320$ نفر، (حجم جامعه

آماري) $N=1857$ نفر، (احتمال وجود صفت) $P=0/5$ ، (عدم احتمال صفت) $q=0/5$ ، (احتمال صحت گفتار) $t=1/96$

$$n = \frac{\frac{t^2 \times p \times q}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 \times p \times q}{d^2} - 1 \right)}$$

نمونه اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۱۲ به شیوه‌ی نمونه‌گیری احتمالی و از نوع نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده متناسب با حجم و در نهایت روش تصادفی ساده انتخاب گردید. طبقه‌بندی وقتی دقت احتمالی را بالا می‌برد که طبقات حاصل از آن نسبت به یکدیگر بیشترین اختلاف را داشته باشد. به عبارت دیگر طبقه‌بندی وقتی سودمند است که به طبقاتی منجر شود که تجانس یا همگنی داخل این طبقات از تجانس یا همگنی در کل جمعیت بیشتر باشد (سرایی، ۱۳۷۳: ۶۱).

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه که به صورت کتبی - حضوری در جامعه مورد مطالعه اعمال شد مهمترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش محسوب می‌شود. هر یک از پرسش‌ها بر اساس فرضیه‌های پژوهش برای سنجش و اندازه‌گیری مفاهیم و متغیرهای فرضیه‌ها طراحی شده است. پرسش‌نامه شامل ۸۷ عبارت می‌شود که بر اساس گزینه‌های خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم به آنها پاسخ داده شده است. این پرسش‌نامه حاوی ۷ مقیاس پایگاه اجتماعی، عملکرد مدیریت پژوهشی، سلاقی و ارزش‌های مدیران، مکان فعالیت، ارزش و منزلت پژوهشگر، امکانات تحقیقاتی دانشگاه و نوع فعالیت تحقیقاتی است. اعتبار یا روایی، موضوعی عمدتاً کیفی بوده و ارزیابی آن بسیار مشکل است و در واقع چگونگی حرکت پژوهشگر از تعریف نظری به تعریف عملی مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از روش‌های اعتبار، اعتبار محتوا است که روشی برای سنجش میزان اعتبار اجزای تشکیل دهنده یک ابزار اندازه‌گیری می‌باشد که معمولاً توسط افراد متخصص در موضوع مورد مطالعه انجام می‌گیرد. از این رو اعتبار محتوا به قضاوت داوران بستگی دارد (کلانتری، ۱۳۸۲: ۷۷). جهت حصول اطمینان از اعتبار یا روایی پرسش‌نامه، سؤالات، گویه‌ها و طیف مورد استفاده به افراد صاحب نظر در رابطه با موضوع مورد مطالعه مراجعه شد. همچنین جمعیت محدودی از جامعه‌ی مورد مطالعه (اعضای هیأت علمی) پیش از نهایی کردن پرسش‌نامه انتخاب و مورد امتحان قرار گرفتند تا نواقص احتمالی در پرسش‌نامه و سؤالات برطرف گردد. بدین منظور تیم تحقیقاتی

ضمن بازدید از برخی واحدهای دانشگاهی و به‌منظور نهایی کردن پرسش‌نامه و حصول اطمینان از روایی و اعتبار سؤالات و مقیاس مورد نظر، جمعیت محدودی از جامعه‌ی آماری (۴۰ نفر) را در واحدهای مورد مطالعه انتخاب کرد و پرسش‌نامه تنظیمی را برای آنها اعمال نمود و پس از استخراج داده‌ها و بررسی نتایج و ارزیابی نقاط قوت و ضعف سؤالات پرسش‌نامه، نواقص و نارسایی‌های مربوط به برخی از سؤالات مطروحه را به‌منظور افزایش میزان اعتبار و روایی پرسش‌نامه‌ها مرتفع نموده و آنها را جهت کاربرد در میزان پژوهش آماده ساخت. اعتماد یا پایایی موضوعی کمی و تکنیکی است و بیشتر ناظر به این سؤال است که ابزار اندازه‌گیری با چه دقت و صحتی پدیده یا صفت موردنظر را اندازه‌گیری می‌کند. ضریب آلفای کرونباخ از عمومیت بیشتری در این روش برخوردار است. اصولاً این روش برای محاسبه انسجام درونی ابزار اندازه‌گیری یا مقیاس‌ها به کار می‌رود. زمانی که مقیاسی از نوع لیکرت وجود داشته باشد و پژوهشگر بخواهد از طریق گویه‌های مختلف یک مفهوم پیچیده را اندازه‌گیری کند برای سنجش انسجام درونی مقیاس می‌توان از آماره آلفای کرونباخ استفاده کرد. اگر مقدار به‌دست آمده از آماره آلفای کرونباخ بیشتر از ۰/۷۰ باشد پایایی ابزار اندازه‌گیری، قابل قبول تلقی می‌گردد. اما علاوه بر آلفای کرونباخ گزینه‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد با حذف هر یک از گویه‌ها چه تغییری در مقدار آلفا ایجاد می‌شود. از طریق بررسی مقادیر این بخش می‌توان تصمیم گرفت که در صورت حذف کدام گویه یا گویه‌ها مقدار آلفا افزایش می‌یابد. این گونه گویه‌ها، مواردی هستند که با سایر گویه‌ها سازگار نبوده و لذا با حذف آنها دقت اندازه‌گیری مقیاس افزایش می‌یابد. اگر مقدار به‌دست آمده کمتر از ۰/۷۰ باشد. باید عمل حذف گویه‌های با آلفای پایین تا جایی ادامه یابد که مقدار آلفای نهایی به ۰/۷ یا بیشتر از آن برسد (کلانتری، ۱۳۸۲: ۷۵). ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای مورد مطالعه با توجه به گویه‌های در نظر گرفته شده در سطح مقیاس لیکرت، ۰/۸۶ است که نشان می‌دهد با توجه به بالا بودن ضریب آلفا، ابزار اندازه‌گیری از قابلیت بالایی برخوردار است. همچنین از روش آزمون-آزمون مجدد پایایی پژوهش مورد بررسی قرار گرفت به این صورت که بعد از تهیه تست نهایی و آزمون فرضیات پژوهش، مجدداً ابزار سنجش در اختیار ۴۰ نفر از افراد نمونه قرار گرفت و بعد از جمع‌آوری داده‌ها فرضیه‌ها مورد آزمون قرار گرفتند و مشخص شد که نتایج این آزمون با آزمون نهایی یکسان بوده و از قابلیت تکرار پذیری برخوردار است.

در تنظیم اطلاعات و داده‌ها و عرضه آنها در فرم اطلاعات آماری و نمایش گرافیکی به صورت نمودارها از متداول‌ترین ابزار و تکنیک‌های آماری موجود در مجموعه نرم افزار آماری برای علوم

اجتماعی (SPSS) استفاده می‌شود. توزیع فراوانی و درصد متغیرهای مورد نظر در فرم جداول یک بعدی و با شاخص‌های کمی آماری نمایش داده می‌شود. جداول متقاطع^۱ به صورت دو متغیر و در بخش مربوط به آزمون فرضیات منظور شده و برای آزمون فرضیات پژوهش از آزمون‌های پارامتریک و غیر پارامتریک استفاده شده است. در برخی موارد جهت سنجش رابطه معنی‌داری بین متغیرها در فرضیات پژوهش، از آزمون کایسکور^۲ و ضریب همبستگی استفاده شده و به منظور مشخص شدن تفاوت، از تحلیل واریانس^۳ و آزمون مقایسه میانگین‌ها استفاده شده است.

یافته‌ها

فرضیه‌ی ۱: آزمون تفاوت میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک گروه‌های علمی

H1: میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک گروه‌های علمی با یکدیگر متفاوت است.

H0: میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک گروه‌های علمی با یکدیگر متفاوت نیست.

جدول ۱: تحلیل واریانس یک طرفه به منظور تفاوت میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک گروه‌های علمی

نتیجه آزمون		سطح معنی‌داری	ملاک آزمون f	مجموع مجذورات میانگین	مجموع مجذورات	درجه آزادی df	منبع تغییرات
H1	H0						
رد	تأیید	۷/۳۱۷	۲۸۶۷/۹۴۹	۲۸۶۷/۹۴۹	۲۲۹۴۳/۵۹۳	۱۰۳	بین گروهی
			۳۹۱/۹۸۰	۳۹۱/۹۸۰	۱۴۶۹۹۲/۴۰۷	۲۱۷	درون گروهی
						۱۶۹۹۳۶/۰۰۰	جمع

با محاسبه آزمون تحلیل واریانس یک طرفه این نتیجه حاصل می‌شود که سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا فرض پژوهش تأیید می‌گردد و میزان گرایش به تفکیک

1- Cross-Tabulation
3- One-way-Anova

2- Chi-Square

گروه‌های علمی با یکدیگر تفاوت دارند. بنابراین برای بررسی اینکه تفاوت در کجاست، از آزمون‌های پس تجربی (post Hoc) و از آزمون بونفرونی استفاده می‌شود.

جدول ۲: پس آزمون (بونفرونی) جهت تفاوت میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک

گروه‌های علمی

پس آزمون با روش بونفرونی	علوم انسانی	علوم پایه	مهندسی
تفاوت میانگین	-	۱۱/۱۹-	۲۲/۱۷-
علوم انسانی	-	۱	۱
سطح معنی‌داری	-	۱	۱
تفاوت میانگین	۱۱/۱۹	-	۱۰/۹۸-
علوم پایه	۱	-	۱
سطح معنی‌داری	۱	-	۱
تفاوت میانگین	۲۲/۱۷	۱۰/۹۸	-
مهندسی	۱	۱	-
سطح معنی‌داری	۱	۱	-

با توجه به جدول بالا و استفاده از پس آزمون بونفرونی می‌توان دریافت پژوهشگران با تحصیلات در گروه مهندسی در مقایسه با پژوهشگرانی که رشته علوم انسانی هستند، حدوداً ۲۲ واحد بیشتر و در مقایسه با علوم پایه حدوداً ۱۲ واحد بیشتر به انجام فعالیت‌های پژوهشی گرایش نشان می‌دهند و با استناد به سطح معنی‌داری این تفاوت (۰/۰۰۰) می‌توان بیان داشت این تفاوت قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. در یک جمع‌بندی می‌توان اذعان داشت بالاترین میزان گرایش از آن پژوهشگرانی است که در رشته‌های مهندسی تحصیل می‌کنند و پژوهشگرانی که در رشته‌های علوم پایه و مهندسی تحصیل می‌کنند، در مراتب بعدی قرار دارند.

فرضیه ۲: آزمون تفاوت میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک جنسیت H1: میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک جنسیت با یکدیگر متفاوت است.

H0: میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک جنسیت با یکدیگر متفاوت نیست.

جدول ۳: مقایسه میانگین‌ها جهت تفاوت میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک جنس

نتیجه آزمون		سطح معنی داری	ضریب اتا Eta	میانگین میزان گرایش		ملاک آزمون f	مجموع مجذورا ت میانگین	مجموع مجذورات	درجه آزادی df	منبع تغییرات
H1	H0			زن	مرد					
رد	تأیید	۰/۷۲۵	۰/۰۱۸	۱۱۸/۷۶	۱۱۸	۰/۱۲۴	۵۵/۱۳۷	۵۵/۱۳۷	۸۶	بین گروهی
								۱۶۹۸۸۰/۸۶۳	۲۳۴	درون گروهی
								۱۶۹۹۳۶۱/۰۰۰	۳۲۰	جمع

با توجه به جدول فوق می‌توان دریافت میانگین سطح گرایش زنان در مقام قیاس با مردان به اندازه یک واحد افزایش نشان می‌دهد. اما با محاسبه آزمون مقایسه میانگین‌ها این نتیجه حاصل می‌شود که سطح معنی‌داری (۰/۷۲۵) بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا فرض پژوهش رد می‌گردد و گروه‌های جنس مورد مطالعه با سطح اعتماد ۹۵ درصد به لحاظ میزان یا سطح گرایش با یکدیگر تفاوت ندارند. همچنین ضریب اتا نشان می‌دهد متغیر جنسیت نمی‌تواند نسبتی از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید.

فرضیه ۳: آزمون رابطه بین وجود ارزش و منزلت پژوهشگر و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی
 H1: بین وجود ارزش و منزلت پژوهشگر و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود دارد.
 H0: بین وجود ارزش و منزلت پژوهشگر و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود ندارد.

جدول ۴: رابطه بین وجود ارزش و منزلت پژوهشگر و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی

فرضیه	نوع آزمون	سطح معنی‌داری	درجه آزادی	ضریب توافق پیرسون	نتیجه آزمون
بین وجود ارزش و منزلت پژوهشگر و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی وجود دارد.	کایسکور	۰/۰۰۳	۳	۰/۶۸	رابطه معنی‌دار وجود دارد.

در آزمایش فرض رابطه بین وجود ارزش و منزلت پژوهشگر و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی از آزمون کایسکور استفاده شده است. با توجه به ارزش ضریب کایسکور به دست آمده تحت درجه آزادی یک و سطح گویای زیر $0/05$ می‌توان استدلال کرد که رابطه میان دو متغیر اتفاقی نبوده است و رابطه مستقیم معنی‌داری میان این دو متغیر وجود دارد. ضریب توافق پیرسون نیز مبین معنی‌دار بودن رابطه بین این دو متغیر می‌باشند. در تحلیل جامعه شناختی باید اذعان نمود که هر اندازه ارزش و منزلت پژوهشگر در جامعه بیشتر باشد و به پژوهشگران توجه بیشتری شود، میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی بیشتر خواهد بود.

فرضیه ۴: آزمون رابطه بین میزان عملکرد مدیریت پژوهشی و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی.

H1: بین میزان عملکرد مدیریت پژوهشی و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود دارد.

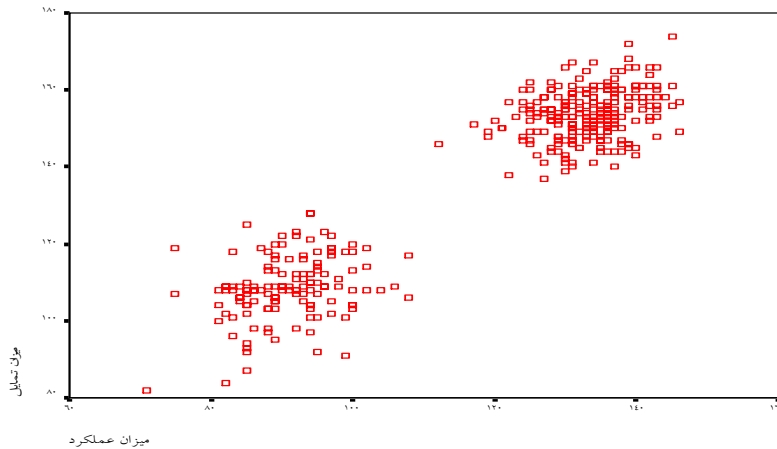
H0: بین میزان عملکرد مدیریت پژوهشی و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود ندارد.

جدول ۵: ضریب همبستگی اسپیرمن بین «میزان عملکرد مدیریت پژوهشی» و «میزان گرایش اعضای هیأت علمی به

انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی»

متغیر	شاخص‌های آماری	میزان گرایش
	ضریب همبستگی اسپیرمن	$0/73$
میزان عملکرد مدیریت پژوهشی	سطح معنی‌داری یک دامنه	$0/000$
	تعداد	۳۲۰

مطابق ارقام مذکور در جدول، ضریب همبستگی این دو متغیر $0/73$ و در سطح $0/000$ معنی‌دار است. به عبارت دیگر هر اندازه میزان عملکرد مدیریت پژوهشی بیشتر باشند، میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی بیشتر است. اما نه در صد درصد موارد بلکه در ۷۳ درصد از موارد این امر امکان‌پذیر است و این نتیجه قابل تعمیم به اعضای هیأت علمی می‌باشد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه بین «میزان عملکرد مدیریت پژوهشی» و «میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی» تأیید می‌شود.



شکل ۲: نمودار پراکنندگی «میزان عملکرد مدیریت پژوهشی» و «میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی»

همان‌طور که در شکل بالا مشاهده می‌شود، الگوی رابطه‌ی آماری «میزان عملکرد مدیریت پژوهشی» و «میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی» به یک الگوی خطی و مستقیم نزدیک است. بنابراین برای بررسی شدت ارتباط خطی این دو متغیر، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

فرضیه ۵: آزمون رابطه بین نوع فعالیت پژوهشی و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی

H1: بین نوع فعالیت پژوهشی و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود دارد.

H0: بین نوع فعالیت پژوهشی و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود ندارد.

جدول ۶: رابطه بین نوع فعالیت پژوهش‌ها و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی

فرضیه	نوع آزمون	سطح معنی‌داری	درجه آزادی	ضریب توافق پیرسون	نتیجه آزمون
بین نوع فعالیت پژوهشی و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی وجود دارد.	کایسکور	۰/۰۴	۴	۰/۶۲	رابطه معنی‌دار وجود دارد.

در آزمایش فرض رابطه بین نوع فعالیت پژوهش‌ها و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی از آزمون کایسکور استفاده شده است. با توجه به ارزش ضریب کایسکور به دست آمده تحت درجه آزادی چهار و سطح گویای زیر ۰/۰۵ می‌توان استدلال کرد که رابطه میان دو متغیر اتفاقی نبوده رابطه مستقیم معنی‌داری میان این دو متغیر وجود دارد. ضریب توافق پیرسون مبین معنی‌دار بودن رابطه بین این دو متغیر می‌باشند. در تحلیل جداول دو بعدی به دست آمده مشخص گردید افرادی که پژوهش‌های خود را به صورت فردی انجام می‌دهند گرایش بیشتری به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی نشان می‌دهند. البته در تحلیل جامعه شناختی می‌توان استدلال نمود که پژوهشگران ایرانی همواره گرایش دارند تا فعالیت علمی خود را به صورت فردی به ثبت برسانند در حالی که در مجامع بین‌المللی پژوهش گروهی بیشتر مورد توجه است.

فرضیه ۶: آزمون تفاوت میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک مکان فعالیت.

H1: تفاوتی بین میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک مکان فعالیت وجود دارد.

H0: تفاوتی بین میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک مکان فعالیت وجود ندارد.

جدول ۷: مقایسه میانگین‌ها جهت تفاوت میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک مکان

فعالیت

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	مجموع مجذورات میانگین	ملاک آزمون	میانگین سطح گرایش	ضریب	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
df				f	بیرون دانشگاه	تا Eta		H1 H0
بین گروهی	۱	۶۵۵۵/۶۴۳	۱/۶۴۳	۳۲۸	۱۱۱/۱۷	۰/۲۳۷	۰/۰۰۰	رد
درون گروهی	۳۱۹	۱۶۳۳۸۰/۳۵۷	۴۲۷/۶۹۷	۱۵	۱۲۰/۷۴			تأیید
جمع	۳۲۰	۱۶۹۹۳۶/۰۰۰						

با توجه به جدول فوق می‌توان دریافت میانگین سطح گرایش پژوهشگرانی که در دانشگاه پژوهش می‌کنند در مقام قیاس با کسانی که بیرون از دانشگاه پژوهش می‌کنند، متفاوت هستند، به

اندازه ۹ واحد اختلاف نشان می‌دهد. همچنین با محاسبه آزمون مقایسه میانگین‌ها این نتیجه حاصل می‌شود که سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا فرض پژوهش تأیید می‌گردد و گروه‌های مورد مطالعه به تفکیک مکان فعالیت پژوهشی با سطح اعتماد ۹۵ درصد به لحاظ میزان گرایش به فعالیت‌های پژوهشی با یکدیگر تفاوت دارند. همچنین ضریب اتا نشان می‌دهد متغیر مکان فعالیت می‌تواند به نسبت ۰/۲۳ از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید.

فرضیه ۷: آزمون رابطه بین امکانات پژوهشی دانشگاه و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی

H1: بین امکانات پژوهشی دانشگاه و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود دارد.

H0: بین امکانات پژوهشی دانشگاه و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود ندارد.

جدول ۸: رابطه بین امکانات تحقیقاتی دانشگاه و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و

پژوهشی

فرضیه	نوع آزمون	سطح معنی‌داری	درجه آزادی	ضریب توافق پیرسون	نتیجه آزمون
به نظر می‌رسد بین امکانات پژوهشی دانشگاه و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی وجود دارد.	کایسکور	۰/۰۲۶	۴	۰/۴۳	رابطه معنی‌دار وجود دارد.

در آزمایش فرض رابطه بین امکانات پژوهشی دانشگاه و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی از آزمون کایسکور استفاده شده است. با توجه به ارزش ضریب کایسکور به دست آمده تحت درجه آزادی چهار و سطح گویای زیر ۰/۰۵ می‌توان استدلال کرد که رابطه میان دو متغیر اتفاقی نبوده رابطه مستقیم معنی‌داری میان این دو متغیر وجود دارد. توافق پیرسون مبین معنی‌دار بودن رابطه‌ی بین این دو متغیر می‌باشند. به عبارت دیگر هر اندازه تجهیزات یک پژوهش در دانشگاه (آزمایشگاه، کارگاه‌ها، سایت‌ها و ...) بیشتر باشد، میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی بیشتر است. جداول توصیفی دو بعدی نشان داد

که آزمایشگاه‌ها نقش بیشتری در میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی دارند.

فرضیه ۸: آزمون رابطه بین اعمال سلايق و ارزش‌های فردی مدیران و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی.

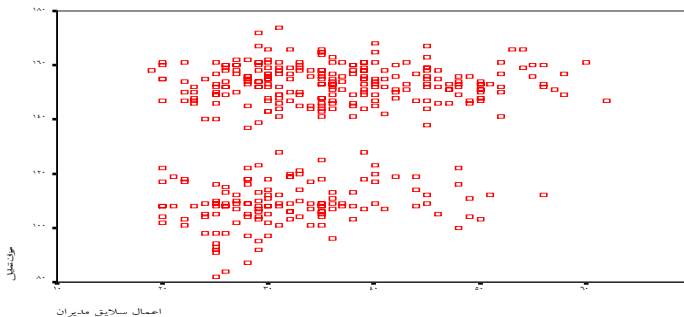
H1: بین اعمال سلايق و ارزش‌های فردی مدیران و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود دارد.

H0: بین اعمال سلايق و ارزش‌های فردی مدیران و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود ندارد.

جدول ۹: ضریب همبستگی اسپیرمن بین «اعمال سلايق و ارزش‌های فردی مدیران» و «میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی»

متغیر	شاخص‌های آماری	میزان گرایش
اعمال سلايق و ارزش‌های فردی	ضریب همبستگی اسپیرمن	-۰/۵۷
مدیران	سطح معنی‌داری یک دامنه	۰/۰۰۰
	تعداد	۳۲۰

مطابق ارقام مذکور در جدول، ضریب همبستگی این دو متغیر -۰/۵۷ و در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌دار است. به عبارت دیگر هر اندازه اعمال سلايق و ارزش‌های فردی مدیران بیشتر باشند، میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی کمتر است. اما نه در صد درصد موارد بلکه در ۵۷ درصد از موارد این امر امکان‌پذیر است و این نتیجه قابل تعمیم به کلیه اعضای هیأت علمی می‌باشد. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر رابطه بین «اعمال سلايق و ارزش‌های فردی مدیران» و «میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی» تأیید می‌شود.



شکل ۳. نمودار پراکندگی «اعمال سلايق و ارزش‌های فردی مدیران» و «میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی»

همان‌طور که در شکل بالا مشاهده می‌شود، الگوی رابطه آماری «اعمال سلايق و ارزش‌های فردی مدیران» و «میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی» به یک الگوی معکوس نزدیک است. بنابراین برای بررسی شدت ارتباط خطی این دو متغیر، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

فرضیه ۹: آزمون رابطه بین پایگاه اجتماعی و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی

H1: بین پایگاه اجتماعی و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود دارد.

H0: بین پایگاه اجتماعی و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود ندارد.

جدول ۱۰: ضریب همبستگی اسپیرمن بین «پایگاه اجتماعی» و «میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی»

متغیر پایگاه اجتماعی	شاخص‌های آماری	میزان گرایش اعضای هیأت علمی
درآمد	ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۷۱
	سطح معنی‌داری یک دامنه	۰/۰۰۰
تحصیلات	ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۴۳
	سطح معنی‌داری یک دامنه	۰/۰۰۰
شغل	ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۳۲
	سطح معنی‌داری یک دامنه	۰/۰۰۰

مطابق ارقام مذکور در جدول ضریب همبستگی مولفه‌های پایگاه اجتماعی و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی، نشان از همبستگی بین دو متغیر در سطح ۰/۰۰۰ معنی‌داری است. به عبارت دیگر هر چه اعضای هیأت علمی از «پایگاه اجتماعی» بالاتری برخوردار باشند، به همان اندازه میزان گرایش آنها به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی است. لازم به توضیح است که از بین سه شاخص درآمد، تحصیلات، شغل، متغیر درآمد از همبستگی

بالاتری برخوردار است. اما نه در صد درصد موارد بلکه در ۷۱ درصد از موارد این امر امکان‌پذیر است. بنابراین فرضیه‌ی اصلی پژوهش تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به فرضیات پژوهش مشخص شد بین متغیرها رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک گروه‌های علمی با یکدیگر متفاوت است. به عبارت دیگر رشته‌های تحصیلی که از واحدهای درسی بیشتری برای پژوهش برخوردارند، میزان گرایش آنها به فعالیت‌های پژوهشی بیشتر است. با استفاده از پس‌آزمون بونفرونی می‌توان دریافت پژوهشگران با تحصیلات در گروه مهندسی در مقایسه با پژوهشگرانی که رشته علوم انسانی هستند حدوداً ۲۲ واحد بیشتر و در مقایسه با علوم پایه حدوداً ۱۲ واحد بیشتر به انجام فعالیت‌های پژوهشی گرایش نشان می‌دهند. در یک جمع‌بندی می‌توان اذعان داشت بالاترین میزان گرایش از آن پژوهشگرانی است که در رشته‌های مهندسی تحصیل می‌کنند و پژوهشگرانی که در رشته‌های علوم پایه و مهندسی تحصیل می‌کنند، در مراتب بعدی قرار دارند. پیشنهاد می‌شود تمهیدات و مقدمات انجام پژوهش‌های ژرف‌اندیش و عمیق‌نگر و آزمایشی و یا شبه آزمایشی، به خصوص در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی فراهم شود و اعضای هیأت علمی دانشگاه، ابتدا خود را برای انجام چنین پژوهش‌هایی قادر و توانا سازند سپس دانشجویان را با این نوع روش‌های پژوهش به‌طور نظری و عملی آشنا سازند. لذا پیشنهاد است تا ساختار آموزشی و پژوهشی دانشگاه مورد بازنگری قرار گیرد.

میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک جنس با یکدیگر متفاوت است. با توجه به آزمون مقایسه میانگین‌ها می‌توان دریافت میانگین سطح گرایش زنان در مقام قیاس با مردان به اندازه یک واحد افزایش نشان می‌دهد. اما با محاسبه آزمون این نتیجه حاصل می‌شود که سطح معنی‌داری (۰/۷۲۵) بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا فرض پژوهش رد می‌گردد و گروه‌های جنس مورد مطالعه با سطح اعتماد ۹۵ درصد به لحاظ میزان یا سطح گرایش با یکدیگر تفاوت ندارند. همچنین ضریب اتا نشان می‌دهد متغیر جنسیت نمی‌تواند نسبتی از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید.

بین وجود ارزش و منزلت پژوهشگر و میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر هر اندازه ارزش و منزلت پژوهشگر در جامعه

بیشتر باشد و به پژوهشگران توجه بیشتری شود، میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی بیشتر خواهد بود. ارزش ضریب کایسکور به دست آمده و توافق پیرسون نیز مبین معنی‌دار بودن رابطه‌ی بین این دو متغیر می‌باشند. در تحلیل جامعه‌شناختی باید اذعان نمود که هر اندازه ارزش و منزلت پژوهشگر در جامعه بیشتر باشد و به پژوهشگران توجه بیشتری شود، از فعالیت پژوهشی آنها تقدیر شود، در مورد فعالیت پژوهشی از آنها نظرخواهی شود، در نظر مردم محترم شمرده شوند؛ میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی بیشتر خواهد بود و به عبارت دیگر توجه و احترام به پژوهشگران در جامعه نهادینه شود زیرا توسعه کشور در گرو پژوهش‌های آنهاست.

عملکرد مدیریت پژوهشی بر میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی مؤثر است. ضریب همبستگی این دو متغیر مؤید آن است. به عبارت دیگر هر اندازه میزان عملکرد مدیریت پژوهشی بیشتر باشند، میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی بیشتر است. به عبارت دیگر اجرای دقیق ضوابط و آیین‌نامه‌های پژوهشی، حمایت از فعالیت‌های پژوهشی از مواردی است که در افزایش این میزان گرایش مؤثرند.

بین نوع فعالیت تحقیقاتی اعضای هیأت علمی و میزان گرایش آنها به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی رابطه وجود دارد. در تحلیل جداول دو بعدی به دست آمده مشخص گردید افرادی که پژوهش‌های خود را به صورت فردی انجام می‌دهند گرایش بیشتری به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی نشان می‌دهند. البته در تحلیل جامعه‌شناختی می‌توان استدلال نمود که پژوهشگران ایرانی همواره گرایش دارند تا فعالیت علمی خود را به صورت فردی به ثبت برسانند در حالی که در مجامع بین‌المللی پژوهش گروهی بیشتر مورد توجه است. با اینکه فعالیت علمی و پژوهشی و در مجموع دانش، محصول روابط اجتماعی و مشارکت جمعی است و امروزه دامنه و گستره‌ی فعالیت‌های علمی و پژوهشی بین رشته‌ای گسترش می‌یابد ولی پژوهشگران تمایل شدیدی به انجام فعالیت انفرادی دارند. به عبارت دیگر سرمایه‌ی اجتماعی لازم و بایسته برای فعالیت پژوهشی وجود ندارد و نرخ اعتماد و شفافیت در روابط و ارتباطات میان پژوهشگران اندک و ناچیز است. پژوهشگران پویا، متعامل و مشارکت‌جو نیستند و از تنگنای ارتباطی آنان پژوهش و دانش تولید نمی‌شود.

بین میزان گرایش اعضای هیأت علمی به فعالیت پژوهشی به تفکیک مکان فعالیت، تفاوتی وجود دارد. با توجه به جدول آزمون مقایسه میانگین‌ها مشخص گردید میانگین سطح گرایش

پژوهشگرانی که در دانشگاه پژوهش می‌کنند در مقام قیاس با کسانی که بیرون از دانشگاه پژوهش می‌کنند به اندازه‌ی ۹ واحد اختلاف کاهشی نشان می‌دهد.

امکانات تحقیقاتی دانشگاه بر میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی مؤثر است به عبارت دیگر هر اندازه تجهیزات یک پژوهش در دانشگاه (آزمایشگاه، کارگاه‌ها، سایت‌ها و ...) بیشتر باشد، میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی بیشتر است. جداول توصیفی دو بعدی نشان داد که آزمایشگاه‌ها نقش بیشتری در میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی دارند. لذا پیشنهاد است تا شیوه‌ها، تکنیک‌های نظری و عملی پژوهش باز تولید، سامان یافته و به روز گردد و شرایط عینی، آزمایشگاهی و عملی پژوهش (از قبیل امکانات کتابخانه‌ای و غیره) فراهم آید.

اعمال سلاقی و ارزش‌های فردی مدیران و میزان گرایش اعضای هیأت علمی بر انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی مؤثر است و حکایت از رابطه‌ی معکوس بین این دو متغیر است. به عبارت دیگر هر اندازه اعمال سلاقی و ارزش‌های فردی مدیران در مورد فعالیت‌های علمی و پژوهشی افراد یا موارد خاص بیشتر باشند، میزان گرایش اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی کمتر است. لذا پیشنهاد است تا شیوه‌های مدیریتی، به خصوص مدیریت پژوهش مورد بازنگری قرار گیرد.

هزینه‌های پژوهش در ایران سنگین و پاداش‌های آنان اندک است و این امر با فرمول حداقل هزینه و حداکثر پاداش «هومنز» همخوانی ندارد. در این میان هزینه‌های اجتماعی بسیار سنگین و پژوهش‌های اجتماعی بسیار هزینه‌بر است. سازمان دانش و پژوهش، به خصوص دانشگاه دارای ساختار پژوهشی نیست به عبارت دیگر پژوهش محور نیست. فرآیند جامعه‌پذیری علمی ناکافی و نامتناسب با نیازهای علمی و پژوهشی است و شرایط دوباره اجتماعی شدن علمی در فضای علمی و پژوهشی وجود ندارد. آشنایی ضعیف با زبان خارجی، عدم توانایی در استفاده و به کارگیری روش‌های کمی و عدم تبحر و کسب تخصص در روش‌های پژوهش، اعضای هیأت علمی را در انجام فعالیت پژوهشی ناتوان و ضعیف کرده و توسعه‌ی پژوهش و تولید دانش را تحدید و الگوهای مصرف دانش را ترویج می‌نماید.

منابع فارسی

- ادیبی، ح. و انصاری، ع. (۱۳۵۸). نظریه جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات جامعه.
- اسکیدمور، و. (۱۳۷۴). تفکر نظری در جامعه‌شناسی. ترجمه: علی محمد حاضری و دیگران. تهران: نشر سفیر.
- توسلی، غ. ع. (۱۳۷۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: نشر سمت.
- ریتزر، ج. (۱۳۸۰). نظریه جامعه‌شناسی در دوره معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- سرایبی، ح. (۱۳۷۳). تحقیقات علمی مطالعات کارشناسی و توسعه علمی. مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه. تهران: انتشارات سمت.
- کرلینجر، ف. ا. (۱۳۷۴). مبانی پژوهش در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آوای نور.
- کلاتری، خ. (۱۳۸۲). پردازش در تحقیقات اقتصادی و اجتماعی، تهران: شریف.

منابع انگلیسی

- Barber, (1952).** *The sociology of science*, new York, free press.
- Scharm, (1954).** *How communication work*, in the process and effects of communication, urban, university of Illinois press.